

## The association between God image and life satisfaction in Shiraz University students

Farideh Hosseinsabet <sup>1\*</sup>, Maryam Rady <sup>1</sup>

1- Department of clinical psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

### Abstract

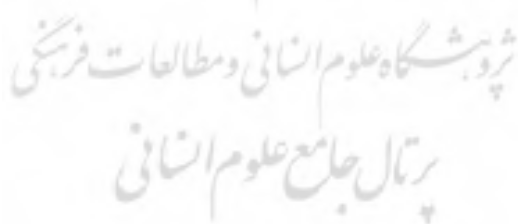
**Background and Objectives:** Life satisfaction is one of the important aspects of quality of life. Image of God can be a determinant role on perspective of one to his life. The purpose of this study was to investigate the relationship between the God image and life satisfaction.

**Materials and Methods:** For this purpose 125 students of Shiraz University were selected using cluster sampling. The tools that used in this study were Lawrence God image scale (1997) (Sadeghi, 1387) and Dinner life satisfaction questionnaires(1985).

**Results:** It showed a positive correlation between life satisfaction and perception of God. Also the findings show that the influence, Providence, and the challenge components, have significant relationship with life satisfaction variable, and receptivity and compassion variables did not show a significant relationship with the variable of life satisfaction.

**Conclusion:** These results show the image of God can determine one's views about various aspects of life and what role does the God plays in the events that happen to a person, can affect the person's life satisfaction (his assessment about events of life).So a person can ascribe these beings and ought to be to God, and Equally shape positive or negative Image of God.

**Keywords:** God image, life satisfaction, students



\*Corresponding Author: Farideh Hoseinsabet; Email: hoseinsabet@atu.ac.ir

# بررسی رابطه‌ی درک از خدا و رضایت از زندگی در دانشجویان دانشگاه شیراز

فریده حسین ثابت\*<sup>۱</sup>، مریم رادی<sup>۱</sup>

۱- گروه روان‌شناسی بالینی و عمومی، دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

## چکیده

**سابقه و اهداف:** رضایت از زندگی، یکی از مؤلفه‌های مهم کیفیت زندگی است. با توجه به اینکه درک از خدا می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ی در دیدگاه فرد نسبت به زندگی داشته باشد، بنابراین هدف از این مطالعه بررسی رابطه‌ی بین درک از خدا و رضایت از زندگی است.

**مواد و روش‌ها:** ۱۲۵ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ی انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارت بود از: پرسش‌نامه‌ی «درک از خدای» لارنس (۱۹۹۷) و صادقی (۱۳۸۴)؛ و «رضایت از زندگی» داینر (۱۹۸۵).

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان می‌دهد که همبستگی مثبت بین رضایت از زندگی و درک از خدا وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه‌های تأثیرگذاری، مشیت الهی، حضور و چالش، رابطه‌ی معناداری با متغیر رضایت از زندگی دارند و متغیرهای پذیرندگی و خیرخواهی رابطه‌ی معناداری با متغیر رضایت از زندگی نشان نمی‌دهند.

**نتیجه‌گیری:** بنابراین می‌توان گفت با توجه به اینکه درک از خدا می‌تواند تعیین‌کننده‌ی دیدگاه فرد درباره‌ی جنبه‌های مختلف زندگی و دیدگاه او درباره‌ی نقش خداوند در اتفاق‌های زندگی‌اش باشد، می‌تواند بر رضایت از زندگی فرد، یعنی ارزیابی وی از رخدادهای زندگی‌اش تأثیر بگذارد. پس فرد می‌تواند این بودن‌ها و باید‌ها را به خداوند نسبت دهد و به همین میزان تصور مثبت یا منفی را نسبت به خدا شکل دهد.

**واژگان کلیدی:** درک از خدا، رضایت از زندگی، دانشجویان

## مقدمه

است (۲). رضایت از زندگی به یک ارزیابی کلی از شرایط زندگی شخص بر می‌گردد که فراتر و کلی‌تر از ارزیابی‌های حیطه‌های خاص مانند خانواده، دوستان، آموزشگاه یا خود فرد است (۳).

طی سالیان دراز، خدا موضوع بحث در حوزه‌های مختلف فلسفی، علمی و روان‌شناختی بوده است. خدا از دیدگاه‌های مختلف مورد مطالعه قرار گرفته، که از میان این دیدگاه‌ها، دو

رضایت از زندگی، ارزیابی عمومی فرد نسبت به کلیت زندگی خود و برخی از جنبه‌های زندگی همچون زندگی خانوادگی و تجربه‌ی آموزشی است (۱). رضایت از زندگی بر تجربه‌ی قضاوتی یا شناختی دلالت دارد که تحت عنوان اختلاف ادراک شده بین مطلوب‌های بشر و پیشرفت وی قابل تعریف

سبک دل‌بستگی و منابع دل‌بستگی رابطه دارد (۱۲). کیرکپاتریک و شیور<sup>۳</sup> (۱۹۹۲)، در مطالعه‌ی به این نتیجه رسیدند که درک مثبت از خدا با رضایت از زندگی، کاهش اضطراب و افسردگی و نیز بهبودی علائم جسمانی رابطه دارد. (۱۳) برام، شاپ جونکر، موی، دی رایتر<sup>۴</sup>، بیک من<sup>۵</sup> و دگا (۲۰۰۸)، در مطالعه‌ی دریافتند که ناراضی‌تبی از خدا، با یأس و افسردگی در بزرگسالان رابطه دارد. در این تحقیق درک منفی از خدا به طور قوی با احساس گناه و داشتن علائم روان‌شناختی رابطه داشت، در حالی که تطبیق روان‌شناختی بهتر با درک حمایتگر از خدا رابطه دارد (۷).

تحقیق درباره‌ی اعتقاد به خدا و احساس بهزیستی ذهنی، با کار بنسون<sup>۶</sup> و اسپیلکا<sup>۷</sup> (۱۹۷۳)، آغاز شد که عزت نفس شرکت‌کنندگان را با توجه به صفت‌هایی که برای خدا بیان می‌کردند (مثل دوست داشتنی، مهربان، کنترل‌کننده، دور از دسترس، فرمانروای مطلق) درجه‌بندی می‌کردند. آن‌ها دریافتند که عزت نفس بالا با درک از خدای دوست داشتنی؛ و عزت نفس پایین با خدای غیرشخصی و کنترل‌کننده رابطه دارد (۱۴).

فرانسیس<sup>۸</sup>، گیسون<sup>۹</sup> و رابینز<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۱)، پارگامنت<sup>۱۱</sup>، کنل<sup>۱۲</sup>، هاتاوی<sup>۱۳</sup> و گرون‌گود<sup>۱۴</sup> (۱۹۸۸) در تحقیق‌هایشان نشان داده‌اند، افرادی که معتقدند خداوند دوست داشتنی، مهربان، حمایتگر و بخشنده است؛ عزت نفس بالاتری دارند (۱۵ و ۱۶). از سوی دیگر، افرادی که معتقدند خداوند آن‌ها را تنبیه یا رها کرده، عزت نفس پایین‌تر، خُلق منفی و رضایت از زندگی پایین‌تری دارند (۱۷ و ۱۸).

او هری<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۳)، دریافت که گروه درمانی به شیوه‌ی رابطه‌های موضوعی می‌توانند درک از خدای فرد و بهزیستی معنوی او را افزایش دهند (۱۹). فیض آبادی و خسروی (۱۳۸۸)، در پژوهشی به منظور مقایسه‌ی درک از خدا و رضایت از زندگی در بین زنان خواهان طلاق و غیرخواهان

نظریه‌ی «روابط شیء» و «دل‌بستگی»، چگونگی شکل‌گیری درک از خدا را بیان می‌کند. منظور از درک از خدا، فهم عقلانی از چیستی خداوند است (۴) و درواقع نوعی فرایند ترکیب محفوظات و تنظیم انبوهی از خاطره‌هایی است که ارتباط اولیه با خدا دارد. به عبارت دیگر، درک از خدا، ناشی از تجربه‌ی ارتباط شخص با دیگران است که در حافظه، براساس عنوان‌هایی چون مادر، پدر یا خدا نشانه‌گذاری می‌شود (۵).

مادر، اولین فردی است که به کودک کمک می‌کند تا خدا را درک کند. در ابتدا از طریق رابطه‌ی که با کودک برقرار می‌کند و پس از آن تخیل‌های کودک درباره‌ی خدا را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ چراکه خداوند را نمی‌توان به صورت یک شیء واقعی دید (۶). از سوی دیگر، رابطه‌ی فرد با خدا در برخی از جنبه‌ها شبیه به رابطه‌ی یک فرد با جلوه‌های دل‌بستگی دوران کودکی است (۷). اما اسپرو (۱۹۹۲) معتقد است که موهبتی ذاتی و ناهشیار وجود دارد که انسان را به سوی خدا هدایت می‌کند و سائقی ذاتی برای شکل‌دهی این مفهوم وجود دارد (۶). درک فرد از خدا وابسته به ویژگی‌هایی است که وی از خداوند در نظر می‌گیرد (۸). لارنس این ویژگی‌ها را شامل حضور همیشگی خدا و پذیرش افراد از سوی خدا، مشیت الهی و تأثیرگذاری خدا بر امور و نیز خیرخواهی خدا می‌داند (۹).

صفت‌ها و ویژگی‌های خدا در متن‌های اسلامی، از جمله قرآن و ادعیه اشاره شده است؛ به طوری که در دعای جوشن کبیر، هزار صفت خداوند آمده است، از جمله یگانگی، بخشندگی، مهربانی، یاری‌گری، روزی‌دهندگی، فریادرسی، بی‌نیازی و توبه‌پذیری.

درک از خدا موجب می‌شود که خصوصیت‌های معینی را نشان دهیم. این رابطه می‌تواند احساس اطمینان بنیادی را به فرد بدهد، اما می‌تواند منبع برانگیزنده‌ی وحشت، اضطراب، ناخرسندی یا عصبانیت نیز باشد (۷). همچنین فرض می‌شود که درک از خدا می‌تواند رضایت فرد از زندگی، یعنی ارزیابی فرد از زندگی کنونی یا گذشته‌اش را، تحت تأثیر قرار دهد؛ این ارزیابی‌ها شامل واکنش‌های هیجانی فرد به رویدادها، وضعیت روانی و قضاوتش درباره‌ی جنبه‌های مختلف زندگی می‌شود (۱۰).

برکاو<sup>۱</sup> و ادواردز<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) بیان می‌کنند که درک از خدا با تحول روابط شیء رابطه دارد (۱۱). همچنین درک از خدا با

2. Edwards, KJ.

3. Shaver, PR.

4. de RitterD.

5. Beekman,ATF.

6. Benson, P.

7. Spilka, B.

8. Francis, LJ.

9. Gibson, HM.

10. Robins, M.

11. Pargament, KL.

12. Kennell, J.

13. Hathaway, W.

14. Grevengoed, N.

15. O'Hare, CA.

1. Brokaw, BF.

از خدا ساخت و همبستگی درونی آن را به دست آورد، که برای مؤلفه‌ی حضور، ۰/۹۵؛ چالش، ۰/۸۱؛ پذیرندگی، ۰/۸۳؛ خیرخواهی، ۰/۸۴؛ تأثیرپذیری، ۰/۸۹؛ مشیت الهی، ۰/۸۹ به دست آمد. مقیاس ۷۲ ماده‌ی لارنس را مظاهری، صادقی، شهابی‌زاده و یآوری (۱۳۸۴) با توجه به فرهنگ جامعه‌ی اسلامی، در شش زیر مقیاس و به صورت مقیاسی ۳۳ ماده‌ی بازسازی کرده‌اند. آزمودنی‌ها بعد از مطالعه‌ی هر جمله، میزان تطابق آن را با درک خویش از خدا بر روی مقیاسی پنج درجه‌ی (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) تعیین می‌کنند. نتیجه‌ی این آزمون، شش نمره است که گستره‌ی نمره‌ها برای هر سؤال از ۱ تا ۵ در تغییر است. پایایی این آزمون را آلفای کرونباخ، ۰/۸۶ به دست آورده است (۲۲). او سپس پایایی آزمون را با روش اجرای مجدد مورد اندازه‌گیری قرار داد و ضریب همبستگی بین نمره‌های دو بار اجرای آزمون، ۰/۸۷ به دست آمد (۲۳). پایایی این آزمون در این پژوهش با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۸۶ به دست آمده و برای زیر مقیاس‌های تأثیرپذیری، ۰/۵۴؛ مشیت الهی، ۰/۶۴؛ پذیرندگی، ۰/۶۶؛ حضور، ۰/۵۴؛ چالش، ۰/۴۲؛ و خیرخواهی، ۰/۵۲ به دست آمد.

**مقیاس رضایت از زندگی داینر<sup>۲</sup>:** این مقیاس به وسیله‌ی داینر (۱۹۸۵) ساخته شده است و پنج گویه دارد که براساس مقیاس لیکرت هفت درجه‌ی، از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم، برای سنجش میزان رضایت کلی از زندگی تهیه شده است. روایی (به شیوه‌ی هم‌گرا و افتراقی) و پایایی (آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۷ و ضریب همبستگی بازآزمایی پس از دو ماه اجرا، برابر ۰/۸۲) مطلوبی برای این مقیاس گزارش کرده‌اند (۲۴). در پژوهش حاضر نیز پایایی آزمون با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۷۵ به دست آمده است.

به منظور پاسخ‌گویی به سؤال‌های پژوهش، با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه‌ی ۱۸، از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شده است. برای بررسی نرمال بودن توزیع نیز از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد.

### یافته‌ها

۷۷ نفر (۶۱/۶٪) از شرکت‌کنندگان، زن بودند که اکثریت شرکت‌کنندگان را در بر می‌گرفتند و ۴۸ نفر (۳۸/۴٪) از

طلاق شهرستان کاشان، به این نتیجه رسیدند که بین درک از خدا و رضایت از زندگی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. همچنین بین زنان خواهان طلاق و غیرخواهان طلاق در نوع درک از خدا، تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین زنان خواهان طلاق رضایت کم‌تری از زندگی خود داشتند (۲۰).

بنابراین در پژوهش این نکته مورد سؤال است که آیا رضایت از زندگی که سازه‌ی است که به ارزیابی کلی فرد از کیفیت زندگی‌اش مربوط می‌شود، می‌تواند با درک فرد از خدا ارتباط داشته باشد؟ درمانگران می‌توانند با داشتن فهم بهتری از عوامل درونی که رضایت از زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زمینه‌ساز محیطی باشند که فرد بتواند علی‌رغم فشارهای اجتماعی و اقتصادی، احساس رضایت از زندگی داشته باشد و حتی با استفاده از روش‌های خاص درمانی و مشاوره‌ی، تصور فرد از خدا را بهبود ببخشند و به این وسیله جامعه‌ی سالم بسازند، چرا که بی‌توجهی به رضایت از زندگی منجر به بروز مشکل‌های جسمی و روحی می‌شود، درحالی‌که رضایت از زندگی منجر به رضایت از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و در نتیجه افزایش شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و هم‌گرایی می‌شود (۲۱).

### مواد و روش‌ها

به منظور انجام پژوهش در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲، دانشکده‌های علوم پایه، کشاورزی، پزشکی و مهندسی از بین دانشکده‌های دانشگاه شیراز به صورت تصادفی انتخاب شدند و سپس از بین دانشجویان دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری، ۱۵۰ نفر (مذکر و مؤنث) به صورت در دسترس انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌ها بین آنان توزیع شد. به سبب ریزش تعدادی از پرسش‌نامه‌ها، تعداد آزمودنی‌ها به ۱۲۵ نفر رسید. این پژوهش در شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی با شماره‌ی ۳۹۷۹ ب تصویب شده است.

### ابزار اندازه‌گیری

**آزمون درک از خدا<sup>۱</sup>:** لارنس در سال (۱۹۹۷) با تجزیه و تحلیل هنجاریابی ۱۵۸۰ آزمودنی، مقیاس درک از خدا را در دو بخش ۷۲ ماده‌ی شش زیر مقیاسی؛ و ۳۶ ماده‌ی سه زیر مقیاسی؛ زیر مجموعه و فرم کوتاه شده‌ی پرسش‌نامه‌ی درک

<sup>۲</sup>. Satisfaction With Life Scale (SWLS)

<sup>۱</sup>. God Image Scale (GIS)

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌کنید، مؤلفه‌های تأثیرگذاری، حضور و چالش، رابطه‌ی معناداری با متغیر رضایت از زندگی دارند و متغیرهای مشیت الهی، پذیرندگی و خیرخواهی، رابطه‌ی معناداری با متغیر رضایت از زندگی نشان نمی‌دهند.

جدول ۳. خلاصه‌ی نتایج آمارهای مربوط به برازش مدل

مدل	R	R <sup>2</sup>	خطای استاندارد برآورد	F	مقدار احتمال
۱	۰/۴۸	۰/۲۳	۲/۸۶	۲/۸۳	۰/۰۴۵

با توجه به نتیجه‌ی جدول، ضریب همبستگی چندگانه بین مجموع متغیرهای پیش‌بین (رضایت از زندگی) و متغیر ملاک (درک از خدا) برابر با ۰/۴۸ است. همچنین مقدار ضریب تعیین (مجذور r) برابر با ۰/۲۳ است که نشان‌دهنده‌ی میزان تبیین واریانس و تغییرهای رضایت از زندگی، ناشی از مؤلفه‌های درک از خدا است. همچنین معناداری آماره‌ی F به دست آمده نشان می‌دهد که مؤلفه‌های درک از خدا قادرند تغییرهای مربوط به رضایت از زندگی را تبیین کنند که این نشان‌دهنده‌ی مناسب بودن مدل رگرسیونی ارائه شده است. در ادامه ضریب‌های متغیرهای غیراستاندارد هر یک از مؤلفه‌های درک از خدا و معناداری این ضریب‌ها در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴. جدول ضریب‌های بتا و مقدار احتمال حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیری بین مؤلفه‌های درک از خدا و رضایت از زندگی

مقدار احتمال	T	ضریب‌های استاندارد		مدل
		نشده	خطای استاندارد	
۰/۰۰۸	۲/۶۹	۹/۶۳	۲۵/۹۵	مقدار ثابت
۰/۲۶	۱/۱۱	۱/۳۶	۱/۵۱	تأثیرگذاری
۰/۳۳	۰/۹۷	۴/۶۵	۴/۵۳	مشیت الهی
۰/۳۶	۰/۹۰	۱/۰۲	۰/۹۳	پذیرندگی
۰/۰۴	۱/۸۳	۱/۴۱	۲/۵۹	حضور
۰/۰۳	۲/۰۸	۱/۱۹	۲/۴۸	چالش
۰/۳۶	۰/۹۰	۱/۰۲	۰/۹۳	خیرخواهی

شرکت‌کنندگان نیز مرد بودند، که میانگین سن آن‌ها برابر با ۱۹/۷ و انحراف استاندارد آن، ۰/۸ بود.

در بین مؤلفه‌های تصور از خدا، مؤلفه‌های مشیت الهی و چالش، در آزمون کولموگروف اسمیرنوف سطح معناداری کم‌تر از ۰/۰۵ داشتند که به منظور نرمال‌سازی، از مجذور این خرده مقیاس‌ها استفاده شد و در نهایت توزیع همگی مؤلفه‌های این پرسش‌نامه نرمال گردید.

جدول ۱. رابطه‌ی رضایت از زندگی و درک از خدا

متغیر	میانگین	انحراف معیار	آماره‌ی r	مقدار احتمال
رضایت از زندگی	۲۱/۸۷	۶/۷۲	۰/۴۳	۰/۰۳
درک از خدا	۱۱۲/۹۸	۱۰/۴۴		

همان‌گونه که در جدول ۱ گزارش شده است، سطح معناداری آماره‌ی T ضریب همبستگی پیرسون، ۰/۰۳ شده است. بنابراین همبستگی معنادار بین رضایت از زندگی و درک از خدا وجود دارد و با توجه به علامت ضریب به دست آمده رابطه‌ی این دو متغیر در گروه نمونه‌ی مورد بررسی، مثبت (مستقیم) است.

به منظور بررسی این موضوع که کدام یک از خرده آزمون‌های تصور از خدا، به طور مستقل می‌توانند رضایت از زندگی را پیش‌بینی نمایند، از تحلیل رگرسیون چند متغیری استفاده شد. در ابتدا برای بررسی ارتباط بین مؤلفه‌های درک از خدا و رضایت از زندگی، ضریب‌های همبستگی محاسبه شد، که در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲. ضریب‌های همبستگی متغیر رضایت از زندگی و مؤلفه‌های درک از خدا

متغیرها	r
۱. رضایت از زندگی	۱
۲. تأثیرگذاری	۰/۱۶*
۳. مشیت الهی	۰/۱۴
۴. پذیرندگی	۰/۱۲
۵. حضور	۰/۱۷*
۶. چالش	۰/۲۳*
۷. خیرخواهی	۰/۱۰

\*P<0.05

اشخاص مهم دیگر تعالی پیدا می‌کند (۲۷). رابطه‌ی رشدنایافته تا حدی به وسیله‌ی ناپایداری مشخص می‌شود. شخص ممکن است احساس کند که درباره‌ی خدا نیز، باید خدا را خشنود کند تا اینکه خدا وی را طرد نکند، در غیر این صورت، خدا از او صرف نظر می‌کند. رابطه‌ی رشد یافته به وسیله‌ی پذیرش واقعی مشخص می‌شود که در اینجا شخص ممکن است خدا را در جایگاه شخصی ببیند که می‌تواند ناکام یا ناامید کند، اما این به معنای از بین رفتن کامل اعتماد نیست و باعث احساس رضایت بیش‌تر از زندگی می‌شود (۲۸).

بنابراین می‌توان گفت با توجه به اینکه درک از خدا می‌تواند تعیین‌کننده‌ی دیدگاه فرد درباره‌ی جنبه‌های مختلف زندگی و خداوند در اتفاق‌های زندگی وی باشد، همچنین می‌تواند بر رضایت از زندگی فرد یعنی ارزیابی وی از دیدگاهش درباره‌ی نقش رخدادهای زندگی‌اش تأثیر بگذارد. رضایت از زندگی به وسیله‌ی ادراک شخصی فرد از اینکه اشیا چگونه هستند، در مقابل اینکه چگونه می‌توانند باشند، مشخص شده است. بنابراین فرد می‌تواند این بودن‌ها و باید‌ها را به خداوند نسبت دهد و به همین میزان تصور مثبت یا منفی را نسبت به خدا شکل دهد.

یافته‌های این پژوهش با تحقیق‌های فرانسویس و همکاران (۲۰۰۱)، بنسونو اسپیلکا (۱۹۷۳)، پارگامنت، کنل<sup>۱۲</sup>، هاتاوی<sup>۱۳</sup> و گرون‌گود<sup>۱۴</sup> (۱۹۸۸)، بوری<sup>۱۵</sup> و مولر<sup>۱۶</sup> (۱۹۹۳)، پارگامنت و همکاران (۲۰۰۴)؛ کروس<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۲)، متلوک-هتزل<sup>۱۸</sup> (۲۰۰۵)، ارلینگز-بونتکه<sup>۱۹</sup>، هکمن-ون استیگ<sup>۲۰</sup> و ورشور<sup>۲۱</sup> (۲۰۰۵)؛ لوین<sup>۲۲</sup> (۲۰۰۲) و تیزدل<sup>۲۳</sup> (۱۹۹۷)، نیز همسو است (۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ و ۳۴) تأثیرگذاری یعنی اعتقاد به اینکه دعا کردن در زندگی فرد تأثیر دارد و خداوند پاسخگوی دعاها می‌باشد. وقتی فرد معتقد باشد که با دعا کردن می‌تواند روند زندگی‌اش را تغییر دهد، می‌تواند ارزیابی از زندگی و اتفاق‌های آن داشته باشد که

طبق اطلاعات مندرج در جدول، مؤلفه‌های حضور و چالش دارای ضریب B معنادار هستند که به ترتیب برابر ۲/۵۹ و ۲/۴۸ است. با توجه به ضریب‌های به دست آمده، می‌توان معادله‌ی پیش‌بینی رضایت از زندگی را به وسیله‌ی دو مؤلفه‌ی مذکور، به شرح زیر نوشت:

$$(۲/۵۹ \times \text{حضور}) + (۲/۴۸ \times \text{چالش}) + ۲۵/۹۵ = \text{رضایت از زندگی}$$

## بحث

با توجه به یافته‌های پژوهش، بین درک از خدا و رضایت از زندگی در سطح معنی‌داری ۰/۰۵، همبستگی معنادار و مستقیم وجود دارد. مؤلفه‌های تأثیرگذاری، حضور و چالش، در سطح ۰/۰۵، رابطه‌ی معناداری با متغیر رضایت از زندگی دارند و متغیرهای مشیت الهی، پذیرندگی و خیرخواهی، رابطه‌ی معناداری با متغیر رضایت از زندگی نشان نمی‌دهند. مقدار ضریب تعیین ( $R^2$ ) برابر با ۰/۲۳ است که نشان می‌دهد ۲۳٪ تغییرهای رضایت از زندگی، توسط مؤلفه‌های درک از خدا تعیین می‌شود. در واقع می‌توان گفت که درک از خدا، همچون فیلتر شناختی عمل می‌کند و می‌تواند رضایت از زندگی فرد را تحت تأثیر قرار دهد.

یافته‌های این پژوهش با یافته‌های فیض آبادی و خسروی (۱۳۸۸)، برادشاو<sup>۱</sup>، الیسون<sup>۲</sup> و مارکوم<sup>۳</sup> (۲۰۱۰)؛ و دی زوتر<sup>۴</sup>، لیکوکس<sup>۵</sup>، شاپ جونکر<sup>۶</sup>، باسینگ<sup>۷</sup>، کارویلین<sup>۸</sup> و هاتسبوت<sup>۹</sup> (۲۰۱۰) همسو است (۲۰، ۲۵ و ۲۶). افرادی که خداوند را موجودی خیرخواه تصور کرده، به او توکل می‌کردند، سطوح پایین‌تری از آشفتگی روانی را گزارش می‌کنند. همچنین، نداشتن ارتباط با خداوند پیش‌بینی‌کننده‌ی سطح پایین‌تری از رضایت از زندگی است (۱۷).

بنابر نظر بیرکی<sup>۱۰</sup> و بال<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۸)، هر دو والد می‌توانند به صورت خاصی بر روی درک از خدای کودکان تأثیر بگذارند. اساس تصور اشخاص از خدا عمدتاً در دوران اولیه‌ی زندگی پایه‌گذاری می‌شود و در دوره‌های بعدی تحول توسط

<sup>12</sup> Kennell, J.

<sup>13</sup> Hathaway, W.

<sup>14</sup> Grevenoged, N.

<sup>15</sup> Burri, JR.

<sup>16</sup> Muller, RA.

<sup>17</sup> Krause, N.

<sup>18</sup> Matlock-Hetzel, SG.

<sup>19</sup> Eurelings-Bontekoe, EHM.

<sup>20</sup> Hekman-Van Steeg, J.

<sup>21</sup> Verschuur, M.

<sup>22</sup> Levin, J.S.

<sup>23</sup> Teasdale, JD.

<sup>1</sup> Bradshaw, M.

<sup>2</sup> Ellison, CG.

<sup>3</sup> Marcum, JP.

<sup>4</sup> Dezutter, J.

<sup>5</sup> Luyckx, K.

<sup>6</sup> Schaap-Jonker, H.

<sup>7</sup> Büssing, A.

<sup>8</sup> Corveleyn, J.

<sup>9</sup> Hutsebaut, D.

<sup>10</sup> Birky, IT.

<sup>11</sup> Ball, S.

زندگی شان رخ داده، ببخشند، که این ناتوانی در بخشش خدا منجر به اضطراب و افسردگی می‌شود (۳۹). اما به نظر می‌رسد آن‌هایی که تصور مثبتی از خدا در پی یک تروما شکل می‌دهند، به طور مؤثرتری با شرایط کنار می‌آیند و سلامت روانی بیش‌تری نسبت به کسانی که تصور منفی از خدا دارند، خواهند داشت (۴۰ و ۴۱). باید گفت در صورتی که فرد معتقد باشد حتی اتفاق‌های ناگوار زندگی‌اش خواست خداوند برای رشد و به کمال رسیدن وی بوده است، دیدگاه مثبت‌تری درباره‌ی زندگی شکل می‌دهد و ارزیابی او از اتفاق‌ها، با ارزیابی فردی که فکر می‌کند خداوند او را آزار می‌دهد، متفاوت خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که درک از خدای فرد و اینکه فرد نقش خداوند را در رخدادهای زندگی‌اش چگونه ببیند، می‌تواند در رضایت از زندگی‌اش تأثیر بگذارد. این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بوده، از آنجا که روش پژوهش از نوع همبستگی است، نتیجه‌گیری علی امکان‌پذیر نیست. محدودیت اصلی این پژوهش، این است که فقط بر روی دانشجویان انجام گرفته است، لذا در تعمیم نتیجه‌های آن به دیگر گروه‌ها باید احتیاط شود. با توجه به محدود بودن پژوهش‌ها در این زمینه، باید تحقیق‌های بیش‌تری انجام شود. همچنین به دلیل هم‌پوشانی زیر مقیاس‌های مقیاس درک از خدا و همچنین نداشتن گزینه‌ی «مطمئن نیستم» یا «در مورد من صدق نمی‌کند»، برای کسانی که به جمله‌ی نوشته شده اعتقاد ندارند؛ و وجود نداشتن ابزار یا گزینه‌ی در ابزارهای مورد استفاده برای سنجش مقبولیت اجتماعی و خوب جلوه دادن خود، باید به دنبال ابزارهای بهتری باشیم و سعی کنیم افراد معتقد به مذهب‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه کنیم. از نظر پژوهشی نیز این پژوهش ممکن است بر روی مقطع‌های سنی دیگر انجام گیرد تا از این طریق تعمیم‌پذیری پژوهش بالا رود. همچنین باید نقش متغیرهای واسطه‌ی نظیر میزان فشار روانی تجربه شده و شیوه‌های فرزندپروری والدین در شکل‌گیری درک از خدا، مورد بررسی قرار گیرد.

این شخص مثبت‌تر از فردی است که احساس می‌کند هیچ کاری از دست او برای تغییر دادن روند زندگی‌اش بر نمی‌آید. سئوال‌های مؤلفه‌ی حضور در مجموع این را می‌سنجد که «آیا خداوند همیشه حاضر است؟». در فرهنگ روابط شیء، این سئوال به این فکر مربوط می‌شود که «آیا من به کسی تعلق دارم؟»، که این سئوال در نظر کودک به این شکل مطرح می‌شود که «آیا مادر همیشه در کنار من حضور دارد؟». فیلیپس<sup>۱</sup>، لین<sup>۲</sup>، کراسلی<sup>۳</sup> و پارگامنت (۲۰۰۴)؛ و برادشاو، الیسون و فنالی<sup>۴</sup> (۲۰۰۸)، بیان می‌کنند که معتقد بودن به خدایی نزدیک و حمایتگر، با علائم اضطرابی و افسردگی رابطه‌ی کم‌تری رابطه دارد (۳۵ و ۳۶). فنالی، گلاک<sup>۵</sup>، الیسون<sup>۶</sup> و کوئینگ<sup>۷</sup> (۲۰۱۰)، به این نتیجه رسیدند که هرچه فرد بیش‌تر معتقد باشد که خداوند نزدیک و دوست داشتنی است، تمام علائم روانی، بخصوص اضطراب اجتماعی به طور قابل توجهی کاهش پیدا می‌کند. چراکه این اعتقاد به فرد حس امنیت و اطمینان را در مقابل دنیای خطرناک می‌دهد. بدیهی است فردی که احساس می‌کند خداوند در زندگی او حضور دائمی دارد و هر اتفاقی که در زندگی‌اش بیافتد خداوند در کنار اوست و او را یاری می‌کند رضایت بالاتری از زندگی خواهد داشت تا فردی که احساس کند به حال خود گذاشته شده و هیچ کس او را یاری نمی‌کند (۳۷).

سئوال‌های مؤلفه‌ی چالش، این را می‌سنجد که «آیا خداوند می‌خواهد من رشد کنم؟» به این معنا که آیا حضور خداوند در زندگی‌ام باعث می‌شود که «من وارد تعامل با دنیای اطرافم شوم؟». در نظریه‌ی رابطه‌های شیء، این به مفهوم متمایز شدن طفل از مادر، به عنوان موجودی مستقل است. مثلاً اسمیت<sup>۸</sup>، مک کالوگ<sup>۹</sup> و پل<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۳) بیان می‌کنند که سرزنش کردن خدا به سبب سختی‌ها با افزایش افسردگی رابطه دارد (۳۸). اکسلاین<sup>۱۱</sup>، یالی<sup>۱۲</sup> و لوبل<sup>۱۳</sup> (۱۹۹۹)، دریافتند که افرادی که حس می‌کنند خدا آن‌ها را به حال خود واگذاشته، نمی‌توانند خداوند را برای مشکل‌هایی که در

<sup>1</sup>. Phillips, RE.

<sup>2</sup>. Lynn, QK.

<sup>3</sup>. Crossley, CD.

<sup>4</sup>. Flannelly, K.J

<sup>5</sup>. Galek, K.

<sup>6</sup>. Ellison, CG.

<sup>7</sup>. Koenig, HG.

<sup>8</sup>. Smith, TB.

<sup>9</sup>. McCullough, ME.

<sup>10</sup>. Poll, J.

<sup>11</sup>. Exline, JJ.

<sup>12</sup>. Yali, AM.

<sup>13</sup>. Lobel, M.

## پیشنهادها

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابهی نیز در زمینه‌ی رابطه‌ی رضایت از زندگی و درک از خدا در فرزندان و والدین انجام گیرد تا بتوان به نقش انتقال بین نسلی این متغیرها پی برد. درمانگران و مبلغان مذهبی می‌توانند با استفاده از نتیجه‌های این پژوهش، فهم بهتری از عوامل درونی که رضایت از زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند، به دست آورند و به این ترتیب زمینه‌ساز محیطی باشند که فرد بتواند علی‌رغم فشارهای اجتماعی و اقتصادی، احساس رضایت از زندگی داشته باشد و حتی با استفاده از روش‌های خاص درمانی و مشاوره‌یی، تصور فرد از خدا را بهبود بخشند و از این راه، جامعه‌ی سالم بسازند.

## References

- 10- Lyubomirsky, S., King, L., & Diener, E. (2005). The benefits of frequent positive affect: Dose happiness lead to success? *Psychological Bulletin*, 131, 803-855.
- 11- Brokaw, B.F., & Edwards, K.J. (1994). The relationship of God image to level of object relations development. *Journal of Psychology and Theology*, 22(4), 352-371.
- 12- Rowatt, WC., & Kirkpatrick, LA. (2002). Two dimensions of attachment to God and their relation to affect, religiosity, and personality constructs. *Journal for the Scientific Study of religion* 41:4, 41(4), 637-651.
- 13- Kirkpatrick, LA., Shaver, PR. (1992). An attachment- theoretical approach to romantic love and religious belief. *Society for Personality and Social Psychology*, 18, 266-275.
- 14- Hoffman, L., Hoffman, JL., Dillard, K., Clark, J., Acoba, R., Williams, F., et al. (2008). Diversity and the God image: Examining ethnic differences in the experience of God for a college-age population. *Journal of Psychology and Theology*, 36:26-41.
- 15- Francis, LJ., Gibson, HM., & Robins, M. (2001). God images and self- worth among adolescents in Scotland. *Mental Health, Religion, & Culture*, 4(2), 103-108.
- 16- Pargament, K. I., Kennell, J., Hathaway, W., & Grevengoed, N. (1988). Religion and the problem-solving process: Three styles of coping. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 27(1), 90-104.
- 17- Pargament, KI., Koenig, HG., Tarakeshwar, N., & Hahn, J. (2004). Religious coping methods as predictors of psychological, physical and spiritual outcomes among medically ill elderly patients. *Journal of Health Psychology*, 9(6), 713-730.
- 18- Krause, N. (2002). Church-based social support and health in old age: Exploring variations by race. *Journal of Gerontology*, 57 B(6), S332-S347.
- 19- O'Hare, CA. (2003). Challenging God images: implementing a Christian component within a standard group therapy intervention. *Dissertation Abstracts International*, 63(8-B), 3932.
- 20- Feizabadi S, Khosravi Z. Comparison of the concept of God and life satisfaction in divorcing and non-divorcing couples in Kashan. 3. 2009; 4 (2) :1-12. (Text in Persian)
- 21- Gilman, R., Ashby, JS., Sverko, D., Florell, D., & Varjas, K. (2005). The relationship between perfectionism and multidimensional life satisfaction among Croatian and American youth. *Personality and Individual Differences*, 39, 155-166.
- 22- Mazaheri, MA. , Sadegi, M. Shahabizadeh, F., Yavari, F. (1384) Relationship between attachment style, attachment to God and God image. *Family*
- 1- Dinner, E. , Sun, M. , Lucas, RE. Smith, HL. (1999) Subjective well-being :Three decades of progress. *Psychology Bulletin*, 125, 276-302.
- 2- Campbell A, Converse PE, Rodgers WL. (1976) The Quality of American Life. Perceptions, Evaluations and Satisfactions. eds: Campbell A, Converse PE, Rodgers WL. New-York: Russel Sage Foundation.:
- 3- Hubener, ES., Suldo, MS., Smith, CL. Mcnight , GC. (2004). Life satisfaction and youth: Empirical foundation and implication for school psychologist. *Psychology in the schools*, 41(1), 81-93.
- 4- Sadeghi M, Mazaheri MA. Malek Asgar S. Parents, Self, and Important Others: Sources of God Image *Journal of Behavioral Sciences*, 2008; 2(1):83-96. (Text in Persian)
- 5- Lawrence, RT. (1997). Measuring the image of God: The God image inventory and the God image scales. *Journal of Psychology and Theology*, 25, 214-226.
- 6- Rackley, B. (2007). God image and early maladaptive schemas: A correlational study. Doctoral Dissertation. Regent University. Retrieved from ProQuest Dissertations and Theses.
- 7- Braam, AW., Schaap-Jonker, H., Mooi B., de Ritter D. , Beekman ATF., Deeg, DJH. (2008). God image and mood in old age: Results from a community based pilot study in the Netherlands. *Health, Religion & Culture*; 11(2): 221-237.
- 8- Alavi, Z. Assessment of association between guilt perception and God image with depression and hope in patient with cancer, MSc. Dissertation Al-Zahra University, (Text in Persian)
- 9- Dayringer, R. Oler, D. (2004). The image of God and the psychology of religion , the Haworth Pastoral Press.



- research center , unpublshed document, (Text in Persian)
- 23- Sadegi, M.(1384) Relationship between religious education and God image in university students. MS dissertation , Shahid Beheshti University (Text in Persian)
- 24- Sheikhi, M. Houman, HA. , Ahadi, H., Sepah Mansour, M. Psychometric Properties of the Satisfaction with Life Scale (SWLS). *Journal of Modern Industrial/Organization Psychology*; 2010; 1(4):17-25. (Text in Persian)
- 25-Bradshaw, M., Ellison, CG., Marcum, JP.(2010). Attachment to God, Images of God, and Psychological Distress in a Nationwide Sample of Presbyterians, *The International Journal for the Psychology of Religion*, 20:130–147.
- 26-Dezutter, J., Luyckx, K., Schaap-Jonker, H., Büssing, A., Corveleyn, J., Hutsebaut, D.(2010). God Image and Happiness in Chronic Pain Patients: The Mediating Role of Disease Interpretation, *Pain Medicine*; 11:765–773.
- 27-Birky ,IT., & Ball, S.(1988). Parental trait influence on God as an object representation. *Journal of Psychology*, 122(2), 133-137.
- 28- Hill, PC., & Hall, TW.(2002). Relational schemas in processing one's image of God and self. *Journal of Psychology & Christianity*, 21(4), 365-373.
- 29-Benson, P., Spilka, B. (1973). God image as a function of self-esteem and locus of control. *Journal of the Scientific Study of Religion*, 12, 294-310.
- 30-Buri, JR., & Mueller, RA. (1998). Psychoanalytic theory and loving God concepts: Parent referencing versus self-referencing. *The Journal of Psychology*, 127(1), 17-27.
- 31-Matlock-Hetzel, SG. (2005). Perceived relationship with God as a predictor of attitudes toward seeking mental health services. *Dissertation Abstract International*, 65(7-B), 3715.
- 32-Eurelings-Bontekoe, EHM., Hekman-Van Steeg, J., & Verschuur, M. (2005). The association between personality, attachment, psychological distress, church denomination and the God concept among a non-clinical sample. *Mental Health, Religion and Culture*, 8, 141–154.
- 33-Levin, J.S. (2002). Is depressed affect a function of one's relationship with God? Findings from a study of primary care patients. *International Journal of Psychiatry in Medicine*, 32, 379–393.
- 34-Teasdale, J.D. (1993). Emotional and two kinds of meaning: cognitive therapy and applied cognitive science. *Journal of Behavior Research and Therapy*, 31, 339-354.
- 35-Phillips, RE., Lynn, QK., Crossley, CD., & Pargament, KI. (2004). Self-directing religious coping: a deistic god, abandoning god, or no god at all? *Journal for the Scientific Study of Religion*, 43(3), 409–418.
- 36-Bradshaw, M., Ellison, CG., & Flannelly, KJ. (2008). Prayer, God imagery, and symptoms of psychopathology. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 47(4), 644–659.
- 37-Flannelly, KJ., Galek, K., Ellison, CG. Koenig, HG. (2010). Beliefs about God, Psychiatric Symptoms, and Evolutionary Psychiatry, *Journal of Religion Health* 49:246–261.
- 38-Smith, TB., McCullough, ME., & Poll, J. (2003). Religiousness and depression: Evidence for a main effect and the moderating influence of stressful life events. *Psychological Bulletin*, 129,614–636.
- 39-Exline, JJ., Yali, AM., & Lobel, M. (1999). When God disappoints Difficulty forgiving God and its role in negative emotion. *Journal of Health Psychology*, 4, 365–379.
- 40-Gall, TL. (2004). Relationship with God and the quality of life of prostate cancer survivors. *Quality of Life Research: Quality of Life Research*, 13(8), 1357-1368.
- 41-Gall, TL., Miguez de Renart, RM., & Boonstra, B. (2000). Religious resources in long-term adjustment to breast cancer. *Journal of Psychosocial Oncology*, 18(2), 21-37.